ادامه دقیقه صفر

حسادت من به جام جهانی

ادامه از صفحه ۲۳

دانش عمیقی نه تنها از تیم ملی خود بلکه همچنین از بسیاری تیم‌های دیگر ابراز می‌دارند و مطالبشان را درباره موضوع با روشنی و اشتیاق مطرح می‌سازند. نوجوانانی که معمولاً حرف نمی‌زنند به ناگهان با فصاحت و اعتماد به نفس به گونه‌ای خیره‌کننده به متخصصانی تحلیلگر تبدیل می‌شوند. ای کاش از این گونه گفت‌وگوها در سراسر جهان بیشتر داشته باشیم. شهروندان به این موضوع بپردازند که چگونه کشورشان می‌تواند روی شاخص توسعه انسانی، یا کاهش میزان انتشار کربن یا عفونت‌های جدید ناشی از ویروس ایدز عملکرد بهتری داشته باشد.

سومین نکته اینکه، جام جهانی مناسبتی است که در آن سطح میدان بازی به گونه‌ای است که تمام کشورها با شرایط برابر فرصت شرکت در آن را دارند. تنها رعایت دو عامل در بازی مهم است: استعداد و کار گروهی. ای کاش در عرصه جهانی نیز مساوات طلبان بیشتری به همین گونه داشتیم. مبادلات آزادانه و منصفانه بدون دخالت دادن سوبسیدها، موانع یا تعرفه‌ها. به دست آوردن فرصتی واقعی برای هر کشور به منظور اینکه توان خود را در صحنه جهانی به میدان آورد. چهارم اینکه، جام جهانی مناسبتی است که منافع چندقطبی بودن بین مردم و کشورها را به تصویر می‌کشد. تیم‌های ملی بیشتر و بیشتری در حال حاضر از مربی‌هایی از دیگر کشورها که شیوه‌های جدید تفکر و بازی را ارائه می‌دهد، استقبال می‌کنند.

همین امر درباره تعداد بیشتر بازیکنانی صحت دارد که در فاصله جام‌های جهانی نماینده باشگاه‌هایی هستند که دور از کشورشان است. آنان کیفیت جدید به تیم جدید خود تزریق می‌کنند، از این تجربه رشد می‌کنند و قادرند هنگامی که به کشور خود بازمی‌گردند تشریک مساعی بیشتری بنمایند. در این روند معمولاً در کشوری که در آن پرورش یافته‌اند، به قهرمانانی تبدیل می‌شوند و به گشودن دل‌ها و گستردگی افکار مدد می‌دهند.

ای کاش نگریستن به موضوع مهاجرت انسان و این امر که در مجموع می‌تواند سه عامل برنده ایجاد کند نیز برای همه به همین سادگی بود؛ یعنی برنده بودن برای مهاجران، برای کشوری که از آن آمده‌اند و برای جوامعی که به آن پیوسته‌اند. آن مهاجران نه تنها برای خود زندگی بهتر می‌سازند، بلکه عوامل توسعه، اقتصاد، جامعه و فرهنگ در کشورهایی هستند که به آن‌جا رفته و در آن کار می‌کنند و همچنین در کشور خودشان به هنگام بازگشت برانگیزاننده افکار جدید و دانش فنی خواهند بود. برای هر کشور، بازی در جام جهانی موضوعی است که به گونه‌ای مطلق به غرور ملی ربط دارد. برای کشورهایی که برای نخستین بار به جام جهانی راه یافته‌اند، مانند کشور من غنا، این موجب افتخار است. برای آنان که پس از سال‌های توام با ناملایمات در جام جهانی شرکت می‌کنند مانند آنگولا، حسی همراه با نوسازی ملی به ارمغان می‌آورد و برای آنها که در حال حاضر درگیر نبرد هستند، اما تیم جام جهانی‌شان یک سمبل منحصر به فرد و قدرتمند از وحدت ملی است، مانند ساحل عاج، چیزی کمتر از امید به تجدید تولد ملی را القا نمی‌کند. آنچه شاید بیش از همه برای تمامی ما در سازمان ملل نسبت به جام جهانی حسادت‌برانگیز است اینکه، جام جهانی مناسبتی است که در آن عملاً می‌بینیم هدف‌ها جامه عمل می‌پوشند. تنها درباره گل‌هایی که به حساب کشوری گذاشته می‌شود صحبت نمی‌کنم. منظورم مهم‌ترین هدف است یعنی حضور در آنجا به عنوان بخشی از خانواده ملل و مردمان، بزرگداشت بشریت مشترکمان است. تلاش می‌کنم هنگامی که غنا با ایتالیا در هانوفر در ۱۲ ژوئن بازی می‌کند همه چیز را به خاطر بسپارم. البته نمی‌توانم قول بدهم که موفق خواهم بود.

***دبیرکل سازمان ملل**

خبر آخر

شفر جانشین فیستر شد

وینفرد شفر سرمربی پنجاه‌وشش ساله آلمانی قرار است جانشین اتوفیستر سرمربی پیشین توگو شود. فیستر روز شنبه به دلیل مشکلات مالی از هدایت تیم توگو کناره‌گیری کرده بود. به نوشته اشپیگل گفت‌وگوهای میان شفر، مربی سال‌های دور کامرون و توگو مراحل پایانی خود را سپری می‌کند. رئیس فدراسیون فوتبال توگو با اعلام این خبر افزود: شفر می‌خواهد با همین بازیکنان رقابت‌های جام جهانی را برگزار کند. شفر که در جام جهانی دوره قبل سرمربیگری کامرون را برعهده داشت، چندی پیش الاهلی امارات را به قهرمانی فوتبال امارات رساند. توگو، سه‌شنبه در نخستین بازی خود در فرانکفورت به دیدار کره جنوبی خواهد رفت.

مدرسه عالی فوتبال شماره ۱ (ظلی)
با ده سال سابقه درخشان
مدیر و مدرس فرامرز ظلی بازیکن اسبق تیم های ملی - استقلال - پاس و مربی درجه A فیفا
کادر فنی: هشت نفر مربیان ABC آسیا
کادر پزشکی: طب، تغذیه، بدنسازی، روان‌شناسی، بیمه
سنین ۶ الی ۱۶ سال
معرفی چهره های مستعد به جامعه فوتبال ایران
۸۸۷۳۵۷۴۶-۸۸۵۷۱۴۳۲
۰۹۱۲-۱۷۲۶۳۲۴

نیمکت

عمو گاس

آیدین مهاجر: استاد، استاد ساختن تیم‌های درجه یک است. برای اینکه بتوانیم این گفته‌مان را ثابت کنیم نمونه‌های زیادی وجود دارد که می‌توانیم بیاوریم و آنها را بازبینی کنیم و به این نتیجه برسیم که گاس هیدینک مربی درجه یکی است. راه دوری نمی‌رویم. همین تیم آیندهوون هلند را ببینید که با یک سری بازیکن نه‌چندان مطرح تا نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان دو فصل پیش بالا رفت و آنجا تنها مغلوب ستارگان میلان شد وگرنه در همان دو بازی هم در خیلی از دقایق یقه تیم بزرگ ایتالیایی را گرفت یا اینکه کره جنوبی را در جام جهانی گذشته به یاد بیاورید که چقدر خوب بازی می‌کرد و چه با صلابت و چه نتایجی گرفت و چگونه مردم کره را به وجد آورد.

اصلاً بیایید اینها را فراموش کنیم. حتماً یک چیزی هست که پیش از شروع جام جهانی چند تیم در به در افتاده بودند دنبال عموگاس تا او را به تیمشان ببرند. یادتان هست رومن آبراموویچ برای اینکه او را به روسیه ببرد و سرمربیگری تیم ملی روسیه را به دستش بسپارد، چه پیشنهادی به او کرده بود. اگر یادتان نیست، به‌خاطرتان می‌آوریم که مالک ثروتمند باشگاه چلسی به هیدینک گفته بود که با پذیرش سرمربیگری روسیه هم پول خوبی بگیرد و هم هر جایی که خواست زندگی کند و هر وقت خواست که تیم ملی روسیه را تمرین بدهد، یک جت اختصاصی در اختیارش قرار می‌گیرد تا او را به مسکو ببرد. استاد هم که این شرایط لوکس را دیده، صبر نکرده که جام جهانی تمام شود و همان وقت پیشنهاد آنها را پذیرفته. اما گاس دوست‌داشتنی که پس از سال‌ها توانسته استرالیا را به جام جهانی بیاورد، خیلی دوست دارد که با این تیم یکی از آن شگفتی‌هایی که خودش متخصص آن است را بسازد. استاد فرمول‌هایی دارد که گاهی وقت‌ها در اوج ناامیدی رو می‌کند و تیمش را از این رو به آن رو می‌کند. مثلاً در بازی پلی‌آف وقتی استرالیا بازی رفت را به اروگوئه باخت، در بازی برگشت ترتیبی داد که تیمش حریف را از پیش‌رو بردارد و به جام جهانی برسد.

هیدینک یکی از آن مربیانی است که بازیکنانش را در آمادگی کامل قرار می‌دهد و آنها را سرشار از روحیه برتری‌جویی به زمین می‌فرستد. یادمان نمی‌رود او که در دو دوره گذشته با هلند و کره در جام جهانی شرکت کرده توانسته این تیم‌ها را به نیمه‌نهایی بیاورد، حالا هم گرچه استرالیا ابزارهای آن دو تیم را در اختیار ندارد، اما منتظر نتایج خوب این تیم باشید. بالاخره استاد زاده شده برای همین که با تیم‌های کوچک یقه تیم‌های بزرگ را بگیرد.

ستارگان پارسی

شانس شکوری

به این می‌گویند شانس. هادی شکوری بین تمام آنهایی که از فهرست تیم ملی برای حضور در جام جهانی خط خورده بودند، تنها آدمی بود که می‌گفت: «من هنوز امیدوارم.» حالا هم که ستار زارع مصدوم شده و شرایط خوبی ندارد، از آلمان خبر رسیده که مسئولان تیم ملی به دنبال آن هستند که هادی شکوری را جانشین زارع کنند. البته همه چیز بستگی به این داشت که آخرین MRI پای ستار به این حکم می‌داد که او نمی‌تواند در جام جهانی حضور یابد، اما چون این جابه‌جایی باید قبل از بازی اول رخ می‌داد، مسئولان فدراسیون نامه‌نگاری‌هایشان را با فیفا قبل از بازی انجام داده‌اند تا به محض اینکه مشخص شد ستار زارع نمی‌تواند تیم ملی را همراهی کند، هادی شکوری به آلمان فراخوانده شود. او البته دیروز می‌گفت که هیچ مقام مسئولی با او تماس نگرفته و حضورش در تیم ملی قطعی نشده. حتماً می‌دانید که شکوری زمانی در فوتبال ایران چهره شد که زیر نظر مجید جلالی در پاس بازی می‌کرد. در آن سال که به قهرمانی پاس منجر شد او در نقش یک مدافع راست بازی‌های خوبی را از خودش به تصویر کشید. اما سال بعد چندان نتوانست موفقیت‌هایش را تکرار کند تا اینکه در فصل گذشته زیر نظر استاد دنیزلی آنقدر خوب بازی کرد که برانکو مجبور شد او را به تیم ملی دعوت کند. او مدافع خوبی است. گرچه آمار گل‌های زده او به تیم خودی بالا است اما خوب سر می‌زند و در یارگیری، بازیکن هوشیاری است. شکوری دیروز عصر در آن لحظاتی که همگان در انتظار بازی ایران و مکزیک نشسته بودند و دل توی دلشان نبود، پای تلفن منتظر بود تا از آلمان با او تماس بگیرند و به او خبر بدهند که بالاخره به جام جهانی می‌رود یا نمی‌رود. نتیجه هرچه که بوده شکوری را برای لحظاتی در رویای حضور در جام جهانی فرو برده. شکوری دیروز نه فقط مزد بازی‌های خوبش را در لیگ گذشته گرفت که پاداش خوبی را برای امیدش دریافت کرد. او حتی اگر به جام جهانی هم نرود باز همین که نامش در این بحبوحه به میان آمد برایش خیلی خوب است.

چهره

باز هم لمن

«لمن جراحی شد» آیا این خبر خوبی برای الیور کان و طرفدارانش محسوب می‌شود؟ اگر کان به این اندازه بدجنس باشد که از مصدومیت حریف اصلی‌اش خوشحال شود باز هم خبر جراحی لمن نمی‌تواند چندان برای دروازه‌بان بایرن مونیخ خوشحال‌کننده باشد چرا که به گفته پزشکان آلمان لمن به بازی چهارشنبه برابر لهستان خواهد رسید و می‌تواند همچنان انتخاب اول یورگن کلینزمن باشد. هنگامی که دو روز پیش خبر رسید که لمن مصدوم شده هواداران کان که کم‌تعداد هم نیستند امیدوار شدند که دوباره «اولی» را در جام جهانی ببینند اما خیال آنها واهی بود و باز هم آنها باید دشمن دیرینه الیور کان را در درون دروازه میزبان تحمل کنند! نمایش لمن در بازی افتتاحیه چنگی به دل نزد و اگر به جای لمن، بکن باوئر هم در درون دروازه آلمان قرار می‌گرفت شمار گل‌های خورده آلمان از ۲ بیشتر نمی‌شد! حتی شنیده شده که بسیاری از آلمانی‌ها در هنگام گل خوردن لمن از کان یاد می‌کردند. به هر حال باید پذیرفت دروازه‌بان آرسنال روی گل‌هایی که از ونچاپ دریافت کرد چندان مقصر نبود و نباید او را به خاطر آن دو گل زیر سئوال برد. بی‌شک لمن بهترین دروازه‌بان اروپا در فصل گذشته بود و در لیگ قهرمانان اروپا عملکرد فوق‌العاده‌ای از خود به‌جا گذاشت، اما هنوز او نتوانسته در تیم ملی به نحوی هنرنمایی کند تا همه را متقاعد کند که به تصمیم کلینزمن احترام بگذارند. مربی آلمان لمن را به دروازه‌بانی که بهترین بازیکن جام جهانی ۲۰۰۲ بوده ترجیح داد ولی هنوز لمن نتوانسته کلینزمن را روسفید کند. خیلی‌ها می‌گویند کلینزمن به خاطر دشمنی با بایرن مونیخ پیراهن شماره یک را از کان گرفته و به لمن داده تا از این تیم انتقام بگیرد. لمن می‌تواند کاری کند که این حرف و حدیث‌ها از بین برود. او در این جام چنین ماموریتی دارد. کان با آن همه ادعا و افتخار به نیمکت دوخته شده و شاهد بالا و پایین پریدن لمن است. مطمئناً اگر در ادامه اشتباهاتی از لمن مشاهده شود آن موقع همه بیشتر از قبل به نیمکت توجه می‌کنند. با شناختی که از کلینزمن داریم اشتباهات لمن هم نمی‌تواند جای کان و لمن را عوض کند. تنها یک کارت قرمز و مصدومیت توان انجام چنین کاری را دارد.

عکس روز

شور دیه‌گو

حضور دیه‌گو مارادونا اسطوره فوتبال آرژانتین و جهان در ورزشگاه هامبورگ همه را به وجد آورده بود.

طرح روز

دروازه مکزیک

طرح: فیروزه مظفری

آس

آخرین فرصت کارل

کارل پوبورسکی همراه با پاول ندود تنها بازیکنان جمهوری چک هستند که در تیم رویایی لهستان در یورو ۹۶ بازی می‌کردند. ولادیمیر اسمیچر دیگر مثلث خط میانی چک در آن رقابت‌ها چند روز قبل از آغاز بازی‌های جام جهانی مصدوم شد تا نتواند حتی برای یک بار هم حضور در جام جهانی را تجربه کند. پوبورسکی مانند ندود آخرین فرصت برای حضور در یک تورنمنت معتبر بین‌المللی را تجربه می‌کند. این هافبک ۳۴ ساله که با ۱۱۵ بازی ملی از این نظر در کشورش رکورددار است می‌گوید: «جام جهانی آلمان آخرین فرصتی است که برای حضور در یک چنین تورنمنتی در اختیار دارم. امیدوارم با کسب نتایجی خوب با تیم ملی خداحافظی کنم و در این جام بازی‌هایی موثر را برای تیم ملی کشورم انجام دهم. ندود نیز مانند من در آخرین تورنمنت بین‌المللی مهمش حضور یافته است.» پوبورسکی با اینکه ۳۴ سال سن دارد اما همچنان یکی از خوش‌تکنیک‌ترین بازیکنان تیم ملی چک است. پوبورسکی پس از آنکه توسط مربیان اسپارتا پراگ از ترکیب اصلی تیم خارج شد به تیم دسته دومی «چک بجوویچ» پیوست. پوبورسکی که قسمتی از سهام این باشگاه دسته دومی را در اختیار دارد در مورد اینکه بازی در دسته دوم لیگ چک میزان آمادگی بدنی او برای جام جهانی را کاهش خواهد داد چنین نظری دارد: «فکر نمی‌کنم، من نظر دیگری دارم. ۳۴ سال سن دارم و به‌خوبی می‌دانم که برای آماده نگه داشتن بدنم چه کاری باید انجام دهم. نکته مثبت این است که با بازی در تیمی نه چندان مطرح به خوبی توانستم روی مسابقات جام جهانی تمرکز کنم.» نکته جالب این است که پوبورسکی لقب «استیو» را بر نام خود دارد و این لقب از اسکی‌بازی کانادایی به نام استیو پوبورسکی گرفته شده است. «استیو» در مورد تیم‌های هم‌گروه جمهوری چک می‌گوید: «ایتالیا را به‌خوبی می‌شناسم. این را به این دلیل نگفتم که مدتی در لاتزیو حضور داشتم بلکه ایتالیا تیمی است که نه تنها ما بلکه تمام دنیا آن را به‌خوبی می‌شناسند و به قدرتشان واقف هستند. آمریکا و غنا دو حریف دیگر ما در گروه E نیز می‌توانند ما را به دردسر بیندازند.»

سوت طلایی

درباره داور ایتالیا و غنا

دو سبک بازی کاملاً متفاوت بین دو تیم از اروپا و آفریقا می‌تواند شب سختی را برای قاضی برزیلی رقم بزند.

امروز ژاپن و استرالیا به مصاف هم می‌روند و جمهوری چک هم مقابل آمریکا صف‌آرایی خواهد کرد. اما حتی اهالی این چهار کشور هم مخالفتی با حساس‌تر دانستن بازی ایتالیا و غنا ندارند. جایی که مدعی فتح جام و برنده سه دوره از این بازی‌ها مقابل نماینده‌ای پرقدرت از آفریقا قرار خواهد گرفت.

کارلوس سیمون اهل برزیل است. ۴۱ساله است و در سال ۱۹۹۸ به جرگه داوران بین‌المللی پیوسته. اولین باری که این داور خنده‌روی برزیلی یک دیدار بین‌المللی را قضاوت کرد بازی اکوادور و پرو بود که شش سال قبل انجام شد. جالب است بدانید کارلوس سیمون روزنامه‌نگاری هم می‌کند. مطالعه و ورزش نیز جزء برنامه‌های روزانه‌اش قرار دارد. بهترین خاطراتش هم متعلق به جام جهانی ۲۰۰۲ و قضاوت‌های خوبش در آن بازی‌ها است. این هم گزیده‌ای از بازی‌های مهمی که کارلوس سیمون قضاوت کرده است، سابقه قضاوت بازی ایتالیا هم در این فهرست به چشم می‌خورد:

ژوئن ۲۰۰۲: انگلیس - سوئد (جام جهانی)
ژوئن ۲۰۰۲: مکزیک - ایتالیا (جام جهانی)
ژوئن ۲۰۰۲: سوئد - سنگال (جام جهانی)
نوامبر ۲۰۰۳: کلمبیا - آرژانتین
ژوئن ۲۰۰۴: آرژانتین - پاراگوئه
سپتامبر ۲۰۰۴: پرو - آرژانتین
نوامبر ۲۰۰۴: اروگوئه - پاراگوئه
مارس ۲۰۰۵: ونزوئلا - کلمبیا
ژوئن ۲۰۰۵: کلمبیا - اکوادور
سپتامبر ۲۰۰۵: پاراگوئه - آرژانتین
دسامبر ۲۰۰۵: عربستان - مصر

گزارشگر

گاف تلویزیون آلمان از داوری

مجید توکلی: یک: آن قدر بازی انگلیس - پاراگوئه سرد و بی‌روح بود که حتی از دست پیمان یوسفی هم هیچ کاری برنیامد تا بلکه بتواند با گزارشش بازی را گرم کند. شاید خود پیمان یوسفی هم تنها دوست داشت یک بار دیگر به جای نیمه دوم، نیمه اول را گزارش کند، یا حداقل به جای نیمه دوم چندین بار از زاویه‌های مختلف صحنه گل «دیوید بکام» را با شیوه‌های مختلف گزارش کند. برای یک گزارشگر هیچ چیز بدتر از این نیست که مسابقه‌ای را گزارش کند که بیننده حوصله دیدنش را نداشته باشد. حتی اگر آن مسابقه، مسابقه جام جهانی باشد.

دو: اما همان تماشاگرانی که به خاطر بازی انگلیس - پاراگوئه خودشان را به خانه رسانده بودند، دلشان خوش بود تا حداقل بازی خوبی از «سوئد - ترینیداد و توباگو» ببینند. علیرضا علی‌فر گزارشگر این مسابقه است و همان ابتدای کار گاف بزرگ تلویزیون آلمان را تکمیل می‌کند. این طور که وقتی داوران برای تعیین تصاحب توپ و میدان با کاپیتان‌های دو تیم صحبت می‌کنند، تلویزیون آلمان اسم داور بازی را به عنوان داور اصلی مسابقه درج می‌کند و «شمس المائدین» را به عنوان کمک‌داور و اینجا همه توقع داشتند گزارشگر این بازی که حتماً قبل از بازی با اطلاعات کاملی به استودیو آمده، این اشتباه تلویزیون آلمان را جبران کند و... ولی این بار علی‌فر عزیز همان گاف تلویزیون آلمان را برای خودش می‌خرد و پرن پانیچ (کمک‌داور) را به عنوان داور و شمس المائدین را کمک‌داور می‌خواند. البته اگرچه بعد از گذشت ۲۰ دقیقه از بازی اشتباه خود را تصحیح می‌کند ولی این برای بیننده از یک گزارشگر حرفه‌ای قابل قبول نیست.

سه: نوبت به بازی سوم یعنی «آرژانتین- ساحل عاج» می‌رسد. از ابتدای مسابقه انگار مزدک خیلی دوست دارد ساحل عاج به آرژانتین گلی بزند چون هر وقت پوپی به نزدیکی‌های دروازه «روبرتو آبوندانزیه‌ری» می‌رود هیجانی می‌شود و با افسوس اعلام می‌کند که این توپ گل نشد. ولی دوباره مزدک در این مسابقه هم دست از دادن آمار و ارقام برنداشت و اواسط بازی چندین بار از تعداد خواهر و برادر و عروس یک بازیکن یادی می‌کرد و هر از چند گاهی اطلاعات خانوادگی هم می‌داد. این یکی را دیگر نمی‌دانیم درست می‌گفت یا غلط.

متن حاشیه

خط پایان

بدون در نظر گرفتن نتیجه بازی با مکزیک و نتایج کلی تیم ملی در آلمان رئیس فدراسیون فوتبال خبر از پایان ماموریت برانکو ایوانکوویچ در ایران داد.

طی روزهای گذشته گفت‌وگوهایی از برانکو در رسانه‌های ایرانی و خارجی منتشر شده که حاکی از استعفا یا به پایان رسیدن دوران فعالیت برانکو است.

سرمربی کروات تیم ملی البته استعفا را تکذیب کرد اما با تایید اتمام قراردادش، ادامه فعالیت در ایران را غیرمحتمل دانست.

صبح دیروز محمد دادکان هم دیدار ایران با آنگولا را (در صورت عدم صعود) آخرین بازی تیم ملی به سرمربیگری برانکو ایوانکوویچ دانست. این در حالی است که خود دادکان هم ماموریتش پس از اتمام بازی‌ها به پایان خواهد رسید. به هر حال برانکو به خبرنگاران گفته که حتی در صورت صعود به جمع شانزده تیم برتر نیز تمایلی به ماندن در ایران ندارد.

گریز از سایه همدیگر

محل اقامت تیم ملی و مسئولینش هتل هیلتون نورنبرگ است. از رئیس فدراسیون تا تدارکات تیم همه در اتاق‌های مختلف طبقات این هتل مستقر هستند. اما رئیس سازمان تربیت بدنی هم که راهی آلمان شده، مستقیم از فرودگاه به همین هتل رفت تا در کنار ستارگان پارسی اسکان یابد. علی‌آبادی و دادکان در یک هتل مستقر هستند اما حتی حساسیت بازی نخست تیم ملی هم دلیل موجهی برای آشتی‌کنان روسا نبود. آنها همچنان چشم دیدن همدیگر را ندارند. طبق اخبار رسیده به تهران، آنها با تدابیری که اندیشیده‌اند هرگز در آسانسور رخ به رخ نخواهند شد، اما چشم تو چشم شدن در لابی هتل اجتناب‌ناپذیر است. به همین خاطر وقتی دادکان می‌خواهد به لابی بیاید و علی‌آبادی را آنجا می‌بیند بلافاصله برمی‌گردد اتاقش. علی‌آبادی هم متقابلاً. چه کسی می‌تواند این دو نفر را آشتی بدهد؟ قطعاً کسی که عنوانش بالاتر از آنها باشد.

خطیبی در تنه ریف

دو خبر درباره رسول. اول اینکه سرپرستی مقتدرانه دادکان حرف اول و آخر اردوی تیم ملی در هتل هیلتون را می‌زند. یک مثال ساده می‌خواهید؟ همین رسول خطیبی. شب بازی داشت با آسانسور به لابی می‌آمد، آسانسور به همکف رسید و در که باز شد، دادکان را دید که بیدار و قبراق در لابی نشسته و کشیک می‌دهد. رسول هم برق‌آسا شاسی طبقه سوم را می‌فشارد و از همان راهی که آمده بود به اتاقش برمی‌گردد. خبر دوم در ادامه همین اتفاق شکل می‌گیرد. ساکت از اصفهان تماس می‌گیرد: رسول جان سلام، توافقات ما با تنه ریف نهایی شد. ان‌شاءالله بعد از جام جهانی می‌روی اسپانیا. جلوی مکزیک اگر یک دقیقه هم بازی بهت رسید با تمام وجودت بازی کن...

همه گفتند می‌بریم

سران فوتبال کشور همگی از غلبه بر مکزیک می‌گفتند. ساعاتی قبل از آغاز مسابقه، دادکان به اتفاق نوآموز و پهلوان بر پیروزی تیم ملی متفق‌القول بودند. علی‌آبادی هم به‌رغم تمام اختلافاتی که با رئیس فدراسیون فوتبال دارد در این یک مورد با او هم‌عقیده بود و از شکست شاگردان لاوولپه اطمینان قلبی داشت. برخلاف جناب یار دوازدهم و برنامه‌های متعددش که دائماً اشاره می‌کند همین که به جمع ۳۲ تیم راه یافته‌ایم کافی است، مسافرین آلمان تردیدی در پیروزی بر ابرقدرت منطقه کونکاکاف نداشتند.

باز هم نارضایتی

اخبار ناراحتی ایرانیان حاضر در آلمان از نحوه سرویس‌دهی به آنها تکراری شده. این نارضایتی دیروز به اوج رسید. ایرانیانی که از دبی، ایتالیا، سوئد و... به آلمان آمده‌اند از اینکه هیچ اقدامی برای سازماندهی تماشاگران ایرانی صورت نپذیرفته متعجب هستند. آنها می‌گویند تجهیز تماشاگران به پیراهن یک‌دست تیم ملی و تسهیل شرایط برای ابتیاع بلیت توسط آنها در سایر تیم‌ها امری کاملاً عادی است. این در حالی است که مسئولین فرهنگی کمتر تیمی قبل از آغاز جام جهانی، بین آلمان و کشورشان در رفت‌وآمدهای مکرر بوده‌اند.

کلیپ ناتمام

از بین همه داخلی‌هایی که چه خواننده و چه غیرخواننده برای ایران در جام جهانی خوانده‌اند، پنجشنبه بعدازظهر صدایی آشنا که اولین پخش رسمی‌اش از شبکه سوم بود، لحظاتی بینندگان را میخکوب کرد. آهنگی که کار مشترک مهرداد میناوند، نیما نکیسا و پژمان جمشیدی است که به‌رغم آماتور بودن نسبت به بقیه، فعلاً با فاصله قابل توجهی بالاتر از کارهای مشابه به نظر می‌رسد. ریتم فوتبالی، ضرباهنگ تند و شعری که با دقت انتخاب شده و به شور و حال این روزها می‌خورد. گروه با حوصله آنها البته غیر از آهنگی که ساخته‌اند، کلیپ جمع‌وجوری هم آماده کرده‌اند که البته در برنامه یار دوازدهم پنجشنبه به طور کامل پخش نشد. سامان مقدم با وسواسی که به خرج داده، کارگردان کلیپ ستارگان پارسی است که شروع خوبی دارد و البته خالی از کلیشه‌های همیشگی است. با این وجود یار دوازدهم پنجشنبه به جای اینکه برای یک‌بار هم شده تکانی به خودش بدهد و مثل هیجانی که این روزها با کمک رسانه‌ها و به ویژه شبکه‌های تلویزیونی به افکار منتقل می‌شود به سلیقه مخاطبانش احترام بگذارد تصاویر فوتبالی و غیرفوتبالی آرشیوی را روی کلیپ قرار داد. کلیپی که می‌گویند ۲۵ میلیون تومان هزینه ساخت آن شده است.